

سیاست "رژیم چنج" در اوکراین و "پاد زهر اقتصادی" تلخ صندوق بین المللی پول

نویسنده: پروفیسور "مایکل چُسادایسکی"
منبع: سایت "گلوبال ریسرچ" - مارچ ۲۰۱۴

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۱۸۰ و ۱۸۱، خرداد و تیر ماه ۱۳۹۳

توضیح پیام فدایی: مطلبی که در زیر می آید ترجمه مقاله ای است که در گیر و دار تحولات اوکراین به نگارش درآمده است. در چارچوب این تحولات، ما شاهد تشدید تنش های بین قدرت های امپریالیستی برای کسب بازارهای بیشتر و یا "سهم شیر" در اوکراین به قیمت تشدید فقر و سرکوب توده ها می باشیم. در مقاله پیشارو، همان طور که از نام آن پیداست، نویسنده با مثال های عینی به بررسی نقش و عملکرد "صندوق بین المللی پول" به نیابت از قدرت های امپریالیستی گرداننده اش در تحولات جاری اوکراین پرداخته است. پیام فدایی برای آشنایی بیشتر خوانندگان با دیدگاه های مختلفی که در مورد تحولات اوکراین و ریشه تضادهای جاری در این کشور وجود دارند، به درج این نوشته اقدام می کند. هم چنین با توجه به عملکرد و نقش صندوق بین المللی پول در اقتصاد ایران که باعث شده تا مردم ایران نیز تحت حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی تجارب مشابهی را از سر بگذرانند، مطالعه این مقاله منبع دیگری است که عملکرد گردانندگان اصلی صندوق بین المللی پول و موسسات مشابه در مورد ایران را نیز هر چه واضحتر و بطور عینی تر در مقابل خواننده قرار می دهد.

در روزهای پس از کودتای ۲۳ فوریه ۲۰۱۴ اوکراین که منجر به برکناری رییس جمهور منتخب شد، "وال استریت" و صندوق بین المللی پول - در هماهنگی با وزارت خزانه داری آمریکا و کمیسیون اروپا در بروکسل - صحنه را برای در دست گرفتن کامل سیستم مالی اوکراین آماده کرده بودند. تظاهرات "یورو میدان" که به "رژیم چنج" انجامید و تشکیل یک دولت انتقالی با تصقیه وسیع در میان وزیران کلیدی و سازمان های دولتی دنبال شد. جای رییس بانک ملی اوکراین (ان یو بی) "ایهور سرکین" که در ۲۵ فوریه اخراج شد را یک مدیر جدید به نام "استپان کوپین" گرفت.

این مدیر جدید یکی از اعضای شاخه ای از پارلمان "بانکیوچیان دست راستی" می باشد. جریان موسوم به "مام میهن" (یا سرزمین پدری) که در منطقه "رادا" توسط نخست وزیر موقت "آرسنی یاتسنیوک" رهبری می شود، موسس این جریان "یولیا تیموشنکو" می باشد که آن را در مارچ ۱۹۹۹ بنیان گذارد. استپان کوپین سابقا ریاست "کِرد بانک" که یک موسسه مالی اوکراین می باشد و بخش بزرگ آن در مالکیت سرمایه های اتحادیه اروپاست را برعهده داشت. این موسسه مالی دارای حدود ۱۲۰ شعبه در سراسر اوکراین است.

[Ukraine Central Bank Promises Liquidity To Local Banks, With One Condition,](#) (Zero Hedge, February 27, 2014).

کوبیک یک مدیر بانک معمولی نیست. وی در کنار دو تن دیگر یعنی "اندری پروبی" (یکی از موسسان جریان نئو نازیست حزب سوسیال ناشنال اوکراین که بعدا به نام خود را به "اسووبودا" تغییر داد و هم چنین "دمیتری یاروش" رهبر جریان دست راستی "پیراهن قهوه ای ها" که اکنون یک حزب سیاسی است) از اولین رهبران تظاهرات "یورو میدان" بودند.

در تاریخ ۱۸ فوریه درست در همان زمانی که کوبیک در میدان یورو اسکوئیر در حال سخنرانی برای تظاهرکنندگان بود، افراد مسلح جریانات دست راستی به رهبری "دمیتری یاروش" در حال حمله و تصرف ساختمان پارلمان بودند.

چند روز بعد و در مقطع تشکیل دولت موقت، "استیفن کوبیک" به مقام مسئولیت هیئت مذاکره کننده با وال استریت و صندوق بین المللی پول گمارده شد.

وزیر جدید دارایی "آلکساندر شالپاک" یار صمیمی "ویکتور یوشچنکو" یعنی چهره ای ست که به مثابه مهره قدیمی دست نشانده صندوق بین المللی پول شناخته می شود و بدنبال "انقلاب رنگی" سال ۲۰۰۴ به منصب ریاست جمهوری سوق داده شد. شالپاک درست هم زمان با ریاست بانک ملی اوکراین، در دفتر ریاست جمهوری یوشچنکو، مناصب کلیدی را در اختیار داشت. در سال ۲۰۱۰ و بدنبال شکست یوشچنکو، آلکساندر شالپاک در مقام معاون به تشکیلات پوششی یک گروه مالی مستقر در فراسوی سواحل برمودا به نام "آی ایم جی اینترناشنال ال تی دی" پیوست. گروه مالی ای که در هامیلتون برمودا بود و به عنوان متخصص آی ایم جی در مسایل مدیریت بیمه، تجدید بیمه و ریسک انتقال (سرمایه) کار می کرد.

وزیر دارایی "آلکساندر شالپاک" در همکاری نزدیک با "پاولو شرمیتو" کار می کند که اخیرا به مقام وزیر وزارت توسعه اقتصادی و تجارت منصوب شده است. وی در همان ابتدای کار خویش با شعار "لغو نظارت دولت بر اقتصاد، با همه توان و تمام عیار، همگانی" به میدان آمد که این شعار مطابق خواست های صندوق بین المللی پول در مذاکرات قبلی بود و لغو یکباره سوبسیدهای سوخت و حامل های انرژی و مواد غذایی را ایجاب می کرد.

یکی دیگر از انتصابات کلیدی دولت موقت، به کار گماردن "آی هور شوایکا" که یک عضو جریان نئو نازی موسوم به "حزب اسووبودا" می باشد در سیمت وزیر سیاست های کشاورزی و مواد غذایی ست. به این ترتیب، وزارتخانه ای که ریاست آن با یک هوادار ادعایی "استپان بانیرا" (شخصی که از همدستان نازیست های در جریان جنگ جهانی دوم بوده است) می باشد، نه تنها بخش کشاورزی را زیر نظر دارد بلکه تصمیم گیرنده در مورد مسایلی ست که در ارتباط با سوبسیدها و قیمت گذاری بخش عمده مواد خوراکی اساسی هستند.

کابینه جدید اعلام کرده است که برای اصلاحات ضروری ولی "دردناک" اجتماعی آماده است. این اظهار آمادگی در شرایطی اعلام می شود که قبل از دسامبر ۲۰۱۳، یک قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری با صندوق بین المللی پول و هم چنین یک توافق چالش برانگیز مبنی بر همکاری های اروپا - اوکراین در نظر گرفته شده بود. اما "یانوکویچ" (رییس جمهور وقت) تصمیم به الغای این دو قرارداد گرفت.

یکی از شروط صندوق بین المللی پول در جریان این قرارداد این بود که "از سوبسید پرداختی برای مصرف گاز هر خانوار باید دوباره به میزان ۵۰ درصد کاسته شود".

کاستن از حقوق بازنشستگی، کاستن از تعداد کارمندان اداره جات دولتی و خصوصی سازی (بخوان: صدور مجوز خرید دارایی ها و مایملک دولت اوکراین برای انحصارات غرب - جمله داخل پرانتز از نویسنده) از زمره شروط شاق دیگر صندوق بین المللی پول برای اوکراین بودند. بنابراین محتملا در آخرین توافق در حال مذاکره بین صندوق با اوکراین، دوباره شروطی نظیر کاستن از سوبسید گاز، حمله به حقوق بازنشستگی، کاستن فوری از شغل های دولتی و هم چنین کاهش هزینه های مربوط به برنامه های اجتماعی در اوکراین منظور شده اند. (منبع: رادیو صدای روسیه ۲۱ مارچ ۲۰۱۴)

تسلیم اقتصادی: قبول بی قید و شرط مطالبات صندوق بین المللی پول توسط دولت دست نشانده غرب

کوتاه زمانی پس از اظهارات نخست وزیر (دست نشانده) موقت، "آرسنی یاتسنیوک" ناگهان نیاز به هر گونه مذاکره با صندوق را مختومه اعلام کرد. پیش از انجام گفتگوهای مربوط به تنظیم یک طرح اولیه برای توافقات، یاتسنیوک فراخوان پذیرش بدون قید و شرط تمام شرایط بسته صندوق بین المللی

پول را با گفتن این جمله صادر کرده بود: "ما هیچ گزینه دیگری به جز قبول پیشنهاد صندوق بین المللی پول را نداریم" وی بطور خصوصی اعلام کرده بود که اوکراین "تمام خواسته های صندوق بین المللی پول و اتحادیه اروپا را قبول خواهد کرد" (رادیو صدای روسیه ۲۱ مارچ ۲۰۱۴)

در روند تسلیم به صندوق بین المللی پول، یاتسنیوک کاملاً نسبت به این امر که اصلاحات پیشنهادی به طور وحشیانه ای زندگی میلیون ها تن از مردم اوکراین و از جمله تظاهرکنندگان میدان را به فقر سوق خواهد داد، آگاه بود.

در لحظه حاضر هنوز جدول زمانی اجرای برنامه های "شوک تراپی" صندوق بین المللی پول به طور قاطعانه تعیین نشده است. محتملاً، رژیم تلاش خواهد کرد تا جنبه های بیرحمانه تر تاثیرات اجتماعی ناشی از اصلاحات کلان اقتصادی را تا بعد از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۲۵ ماه می (در صورتی که این انتخابات جامه عمل بپوشد) به تعویق بیاورد.

متن توافق با صندوق بین المللی پول بویژه در ارتباط با لیست دارایی های دولتی ای که برای خصوصی سازی هدف گرفته شده اند محتملاً با جزئیات بیشتری مشخص خواهد شد.

بر اساس گزارشات خبرگزاری "بلومبرگ"، هنری کیسینجر و کاندولیزا رایس از زمره افراد کلیدی ای هستند که (به عنوان مقام غیر رسمی) در نقش رابط بین صندوق بین المللی پول و دولت کیف، از یک طرف با مقامات کاخ سفید و کنگره آمریکا از طرف دیگر در حال رایزنی و مشورت می باشند.

هیئت نمایندگی صندوق بین المللی پول در کیف

بلافاصله بعد از انتصاب وزیر دارایی و رییس بانک مرکزی جدید اوکراین، درخواستی برای مدیر کل صندوق بین المللی پول ارسال شد. پس از آن، یک هیات "حقیقت یاب" به رهبری مدیر بخش اروپایی صندوق بین المللی، یعنی "رضا مقدم" با شتاب به کیف سفر کرد: من قطعاً تحت تاثیر عزم و احساس مسئولیت و تعهد مقامات کیف در مورد برنامه اصلاحات اقتصادی و شفاف سازی قرار گرفته ام. صندوق بین المللی پول آماده و استوار است تا به مردم اوکراین کمک کرده و از برنامه اقتصادی مقامات حمایت کند.

منبع: [Press Release: Statement by IMF European Department Director Reza Moghadam on his Visit to Ukraine](#)

یک هفته بعد در تاریخ ۱۲ مارچ، "کریستین لاگارد" با "آرسنی یاتسنیوک" نخست وزیر موقت اوکراین در دفتر مرکزی صندوق در واشنگتن ملاقات کرد. وی بر تعهد صندوق بین المللی پول تاکید نمود: [برای بازگرداندن اوکراین] به مسیر یک مدیریت اقتصادی با ثبات و با یک رشد قابل دوام، که در همان حال متضمن حمایت از اقشار آسیب پذیر باشد... ما مصمم هستیم تا به اوکراین در مسیر رسیدن به ثبات اقتصادی و شکوفایی کمک کنیم. (اطلاعیه مطبوعاتی)

اظهارات فوق مملو از الفاظ آراسته به سالوسی و ریا ست. در عمل، صندوق بین المللی پول نه به ارمغان آورنده "مدیریت اقتصادی با ثبات" است و نه حامی فقرا. صندوق، تمام مردم را فقیر تر کرده تا به قیمت آن برای یک قشر معدود فاسد از سیاست مداران نوکر صفت و نخبگان اقتصادی "رفاه" و "شکوفایی" بیاورد.

"نسخه اقتصادی" صندوق بین المللی پول در شرایطی که به ثروتمندتر شدن یک اقلیت کوچک اجتماعی خدمت می کند، به طور مطلق موجب بی ثباتی اقتصادی و فقر اکثریت شده و در همان حال برای اعتبار دهندگان خارجی یک "شبکه امن اجتماعی" فراهم می سازد. صندوق بین المللی پول برای تحمیل و مقبول نشان دادن بسته های اقتصادی خود، روی تبلیغات رسانه های جمعی و

اظهارات مداوم باصطلاح "کارشناسان اقتصادی" و تحلیل گران مالی اتکا می کند که برای اصلاحات کلان اقتصادی این موسسه مشروعیت فراهم می کنند.

اما از اهداف پشت پرده دخالت گری های صندوق بین المللی پول، یکی هم بی ثبات سازی دولت های مستقل و در هم شکستن بی کم و کاست اقتصاد های ملی ست. نیل به این هدف از طریق تسلط انحصاری بر اهرم های کلیدی در سیاست های کلان اقتصادی و هم چنین تنظیم کامل بازارهای مالی از جمله کنترل بازار های مبادله ارز صورت می گیرد.

ترکیب صندوق بین المللی پول - بانک جهانی، برای رسیدن به اهداف اعلام نشده شان، غالباً در رایزنی با وزارت خزانه داری و وزارت خارجه آمریکا به اعمال کنترل در انتصاب پست های کلیدی نظیر وزیر داری، رییس بانک مرکزی و همچنین مقامات ارشد مسئول برنامه های خصوصی سازی کشور می پردازند. یکی از الزامات این انتصابات کلیدی، تایید (غیر رسمی) آن ها توسط "اجماع آرا در واشنگتن" قبل از آغاز مذاکرات مربوط به بسته های کمک میلیاردی توافق شده توسط صندوق بین المللی پول می باشد.

جدا از لفاظی ها، در دنیای واقعی پول و اعتبار، صندوق بین المللی پول اهداف عملی چندی را تعقیب می کند:

- ۱) تسهیل تعهدات وصول قرض، با اطمینان حاصل کردن از این مسئله که کشور مورد نظر هم چنان مقروض و در کنترل اعتبار دهندگان خارجی باقی بماند.
- ۲) اعمال کنترل کامل بر سیاست های مالی و درآمدهای دولت و سازمان بودجه کشور مقروض، به نیابت از اعتبار دهندگان خارجی،
- ۳) تجدید سازمان در برنامه های (خدمات) اجتماعی، قوانین کار، مصوبات قانونی مربوط به حداقل دستمزد، به شکلی که مطابق منافع سرمایه غرب باشد،
- ۴) برداشتن محدودیت های قانونی بر سر راه تجارت خارجی و سیاست های سرمایه گذاری به شمول خدمات مالی و حقوق مالکیت علمی
- ۵) پیشبرد خصوصی سازی در بخش های کلیدی اقتصاد از طریق فروش دارایی های دولتی به کمپانی های خارجی
- ۶) تسهیل تصاحب (شامل ادغام و یا به تملک درآوردن) شرکت های خصوصی شده برگزیده اوکراینی.
- ۷) تضمین برداشتن قوانین (دولتی) در بازار مبادله ارز (و سهام)

در شرایطی که برنامه خصوصی سازی، انتقال دارایی های دولتی به دست سرمایه گذاران خارجی را تضمین می کند، **برنامه صندوق بین المللی پول هم چنین شامل تدارک برای تسهیل امر بی ثبات کردن مجتمع های تجاری خصوصی و همچنین شرکت های بازرگانی دولتی کشور** می باشد. یک نقشه ایجاد "انشقاق" (در موسسات مالی) که آن ها را واجد شرایط "رها سازی" (بخشی از دارایی هایشان) و در همان زمان اعلام "برنامه ورشکستگی" ساخته معمولاً به اجرا در می آید با این هدف که شمار بزرگی از موسسات ملی خصوصی و دولتی منحل شوند.

مقررات "رها سازی دارایی ها" - که در مورد کره جنوبی در دسامبر ۱۹۹۷ توسط بسته کمکی صندوق بین المللی پول به این کشور تحمیل شد - ایجاب می کرد که چندین مجتمع اقتصادی قدرتمند کره ای موسوم به "چابُلز" به موسسات کوچکتر تقسیم شوند. بدنبال این تقسیم، بسیاری از همان موسسات توسط سرمایه های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی تصاحب شدند. نرخ چشمگیر بهره بانکی نیز به نوبه خود، اجزای مشتق شده و بسیار سود آور بخش تکنولوژی عالی (های تک) صنایع کره را یا به سرمایه های غربی منتقل کرد و یا با قیمت های بسیار نازل به آن ها فروخت.

<https://www.amazon.com/Globalization-Poverty-New-World-Order/dp/0973714700>

انجام مرحله به مرحله برنامه های اعلام ورشکستگی، عاقبت منجر به نابودی سرمایه داری بومی می گردد. در مورد اوکراین آن ها به طور گزینشی منافع تجاری اولیگارش ها را آماج قرار می دهند و این کار دروازه را برای تصاحب قسمت قابل ملاحظه ای از بخش خصوصی اوکراین توسط شرکت های اتحادیه اروپا و آمریکا باز می کند. شروط موجود در محتوای قرارداد صندوق بین المللی پول، در هماهنگی با شروطی است که در قرارداد مشاجره برانگیز موسوم به "معاهده همکاری اتحادیه اروپا - اوکراین" قید شده و امضای آن قبلا توسط دولت "یانوکویچ" (رییس جمهور مخلوع) رد شده بود.

قرض های خارجی فزاینده اوکراین

مبلغ قرض های خارجی اوکراین چیزی در حدود ۱۴۰ میلیارد دلار است. صندوق بین المللی پول پس از مشاوره با وزارت دارایی آمریکا و صندوق مالی اتحادیه اروپا و یک "بسته کمکی" ۱۵ میلیارد دلاری برای اوکراین را در نظر گرفته است. این درحالی است که **مبلغ سررسید قرض های کوتاه مدت اوکراین حدود ۶۵ میلیارد دلار یعنی بیش از ۴ برابر مبلغ اعطایی وعده داده شده توسط صندوق بین المللی پول می باشد.**

ذخایر ارزی بانک مرکزی اوکراین تقریبا تمام شده اند. در ماه فوریه بر اساس گزارشات بانک مرکزی اوکراین، مجموع کل ذخایر ارزی این کشور، مبلغ ناچیز ۱۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار اعلام شد. در آن زمان، حداکثر مبلغ اجازه برداشت اضطراری این کشور از منابع صندوق بین المللی حدود ۱۶ میلیون و ۱۰۰ هزار دلار و ارزش ذخایر طلای اوکراین هم ۱/۸۱ میلیارد دلار بوده است. **بر اساس گزارشات تایید نشده ذخایر طلای اوکراین مصادره و به منظور "نگهداری در محل امن" با هواپیما به نیویورک منتقل شده و زیر کنترل بانک مرکزی دولت فدرال آمریکا در نیویورک قرار گرفته است.**

بر اساس شروط بسته کمکی، صندوق بین المللی - که به نیابت از اعتبار دهندگان آمریکایی - اروپایی اوکراین عمل می کند - به دولت اوکراین مبالغی را قرض می دهد که بایستی صرف بازپرداخت قسط وام های قبلی شود. در واقع این پول مستقیما به حساب کشورهای قرض دهنده منتقل می شود. در نتیجه کمک اعتباری ادعایی صندوق به اوکراین، **در واقع "پول خیالی" است. چرا که حتی یک دلار از این پول وارد کشور اوکراین نخواهد شد.**

هدف بسته کمکی صندوق بین المللی پول، کمک به رشد اقتصادی اوکراین نیست. **بلکه برعکس: قصد اصلی از اعطای این وام، بازپس گیری اقساط به سر رسیده وام های قبلی و ایجاد شرایطی است که روند بی ثبات سازی اقتصاد اوکراین و سیستم مالی این کشور را تسریع کند.**

اصول بنیادی ربا خواری (سیستم تنزیل) بر این مبنا است که **در مقطعی، قرض دهنده (ربا خوار) برای نجات مقروض وارد عمل می شود: "نمی توانی قرضت را بدهی! اصلا عیب ندارد پسرم! من به تو قرض می دهم و تو هم با پولی که بهت قرض داده ام، قرض مرا می دهی!"**

طنابیی که برای به اصطلاح نجات اوکراین توسط صندوق بین المللی پول و اتحادیه اروپا پرتاب شده، در واقعیت امر غل و زنجیر (اسارت) است. قرض های خارجی اوکراین، آن طور که توسط بانک جهانی ثبت گشته در عرض ده سال گذشته ده برابر شده و اکنون افزون بر ۱۳۵ میلیارد دلار است. برای پرداخت تنها مبلغ بهره این وام، اوکراین باید سالانه چهار و نیم میلیارد دلار بپردازد. وام های تازه، تنها به افزایش قرض های خارجی خدمت می کنند و در نتیجه کیف را به صورت فزاینده و بیش از پیش به "آزاد سازی" اقتصادش متعهد می کنند، آن هم از طریق فروش بخش های هنوز خصوصی نشده اقتصاد به شرکت های (غربی).

مطابق توافقات مربوط به اعتبارات جدید، پول به داخل اوکراین نخواهد آمد، بلکه برای آغاز بازپرداخت اقساط به سر رسیده تعهدات مالی اوکراین به اعتبار دهندگان اروپایی و آمریکایی به مصرف خواهد رسید. در این رابطه بر اساس گزارشات "بانک تسویه حساب بین المللی" (Bank for International Settlements) مجموع مطالبات مربوط به سر رسید اقساط بانک های اروپایی بر علیه اوکراین به ۲۳ میلیارد دلار سر می زند.

(منبع: [Ukraine Facing Financial Instability But IMF May Help Soon – Spiegel](#) (Online, February 28, 2014))

"فوائد" بسته صندوق بین المللی پول برای اوکراین چیست؟

بر طبق اظهارات مدیر کل صندوق بین المللی پول "کریستین لاگارد"، قصد برنامه نجات بخش صندوق بین المللی پول، توجه به مساله فقر و نابرابری اجتماعی در اوکراین می باشد. ولی در واقعیت امر، آنچه که از اجرای این بسته کمکی حاصل می گردد افزایش سطح بدهکاریها همزمان با سپردن امر کنترل اصلاحات در اقتصاد خرد کشور و همچنین اصلاح در نظام پولی اوکراین به دست موسسات وابسته به "برتون وودز" (Bretton Woods Institutions) (۱) می باشد که به نیابت از "وال استریت" عمل می کنند.

تحلیل اقدامات شاق برای پیشبرد صرفه جویی های اقتصادی که در توافقنامه مربوط به این بسته کمکی پیش بینی شده، به احتمال بسیار قوی موجب بروز هرج و مرج اجتماعی فزاینده و جایجایی های بزرگ اقتصادی خواهد شد. نام این اقدامات "اعطای وام برای تغییر سیاستهای اقتصادی" (۲) می باشد؛ بدین معنی که تخصیص منابع مالی برای بازپرداخت قرضهای اعتبار دهندگان تضمین می گردد و در مقابل، "پاد زهر تلخ اقتصادی" که در شکل یک لیست از اصلاحات برای پیشبرد سیاستهای نئولیبرالیستی ارائه شده اند، دریافت می گردد. این همان شعار معروف "تحمل درد و رنج کوتاه مدت، برای کسب منافع دراز مدت"، است که از سوی موسسات "برتون وودز" مستقر در واشنگتن سر داده می شود.

"مشروط بودن" وامها و از جمله - اقدامات شاق صرفه جویانه اقتصادی- با هدف خدمت به فقیر سازی بی حد و مرز مردم اوکراین در کشوری اعمال می گردد که در طول بیش از دو دهه گذشته توسط صندوق بین المللی پول اداره شده است. جنبش میدان در شرایطی به انحراف برده شد که ده ها هزار تن از مردم تظاهر کننده در میدان، خواهان برخورداری از یک زندگی جدید بودند. آنهم به این دلیل که استانداردهای زندگی آنها به دلیل اعمال سیاستهای نئولیبرالیستی دولتهای پیاپی و از جمله دولت "یانکوویچ" در هم پاشیده شده بود. مدت زمان کوتاهی لازم بود تا آنها دریابند که جنبش اعتراضی آنها به این دلیل توسط "وال استریت"، وزارت خارجه آمریکا و موسسه "اهدای ملی برای دموکراسی" (NED) حمایت می شد تا در خدمت ایجاد یک فاز جدید از روند نابودی اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد.

سابقه عملکرد صندوق بین المللی پول در اوکراین

در سال ۱۹۹۴ و در زمان ریاست جمهوری "لئونید کوچما" یک بسته کمکی صندوق بین المللی پول به اوکراین تحویل شد. در آن زمان، "ویکتور یاشچنکو" - که بعدا خودش متعاقب انقلاب نارنجی سال ۲۰۰۴ به ریاست جمهوری رسید- به مقام ریاست بانک مرکزی جدیدالتاسیس اوکراین (NBU) منصوب شده بود. رسانه های مالی غرب "یاشچنکو" را به عنوان یک "اصلاح طلب پُرجرات" تحسین می کردند. او از زمره مهندسیین اصلی اصلاحات سال ۱۹۹۴ صندوق بین المللی پول بود که منجر به بی ثبات ساختن اقتصاد ملی اوکراین گشت. هنگامی که وی به عنوان رقیب انتخاباتی "یانکوویچ" و بر

علیه او وارد کارزار انتخاباتی سال ۲۰۰۴ شد، بنیادهای مختلفی نظیر موسسه "اهدای ملی برای دموکراسی" (NED) از او حمایت می کردند. در واقع او کاندید ارجح "وال استریت" بود.

بسته کمکی سال ۱۹۹۴ صندوق بین المللی پول برای اوکراین، در پشت درهای بسته و در جریان برگزاری پنجاهمین سالگرد تشکیل مجمع موسسات "برتون وودز" در مادرید نهایی شد. مطابق شرایط این بسته، دولت اوکراین موظف می گشت که کنترل دولتی بر بازارهای ارزی کشور را ملغی سازد؛ امری که به سقوط چشمگیر ارزش پول ملی منجر گشت. شخص "یاشچنکو" نقش کلیدی ای در مذاکرات و اجرای توافقنامه سال ۱۹۹۴ و همچنین در ایجاد یک واحد پول ملی جدید برای اوکراین بازی کرد؛ نتیجه این اقدام، نزول ناگهانی سطح دستمزدهای واقعی در کشور شد.

"یاشچنکو" به عنوان رییس بانک مرکزی، مسئول رها سازی نرخ ارز ملی کشور در جریان "شوک درمانی" اکتبر سال ۱۹۹۴ بود که منجر به تغییرات زیر گشت:

- قیمت نان یک شبه ۳۰۰ درصد افزایش یافت،
- بهای برق ۶۰۰ درصد گران شد،
- بر نرخ هزینه های حمل و نقل ۹۰۰ درصد اضافه شد؛ و در نتیجه
- شاخص های زندگی به یکباره سقوط کرد

بر اساس آمار منتشره از سوی مرکز آمار دولتی اوکراین که توسط صندوق بین المللی پول نقل شده، **دستمزدهای واقعی در سال ۱۹۹۸ در قیاس با سطح دستمزدهای سال ۱۹۹۱ (پیش از اصلاحات صندوق) بیش از ۷۵ درصد سقوط کرده بودند.**
منبع: (<http://www.imf.org/external/pubs/ft/scr/2003/cr03174.pdf>).

ظاهرا برنامه های مورد حمایت صندوق بین المللی پول در نظر داشت تا فشارهای تورمی را تخفیف دهد؛ در عوض این برنامه ها به "دلاریزه" کردن قیمتها در زندگی مردم فقیر شده ای منجر شد که در آمد آنها کمتر از ۱۰ دلار در ماه بود.

افزایش ناگهانی قیمت حاملهای سوخت و انرژی با یک شیب تند، در ترکیب با حذف سوبسیدها و ثابت نگهداشتن اعتبارات، **موجب نابودی صنایع (اعم از دولتی و خصوصی) و صدمه زدن به نواحی "نان دهنده" (مولد) در اقتصاد اوکراین گشت.**

در ماه نوامبر سال ۱۹۹۴ مذاکره کنندگان "بانک جهانی" برای ارزیابی از چگونگی امر بازسازی کشاورزی اوکراین به این کشور اعزام شدند. یا توجه به سیاست "آزاد سازی تجارت" (که بخشی از الزامات بسته اقتصادی صندوق بین المللی بود)، غلات تولیدی اضافی ایالات متحده و "کمکهای غذایی" به مقادیر انبوه و با قیمتهای ارزانه تر از قیمت تمام شده، به بازارهای محلی اوکراین سرازیر شدند؛ امری که موجب ایجاد بی ثباتی در یکی از بزرگترین تولید کنندگان گندم در جهان (هم طراز یا به طور مثال بخش مرکزی- غربی آمریکا) ، یعنی اوکراین شد.

منبع: "مایکل چوسودووسکی"، مقاله "دمکراسی" اهدا شده صندوق بین المللی پول به اوکراین، سایت "گلوبال ریسرچ" مورخ ۲۸ نوامبر ۲۰۰۴، تاکیدات از نویسنده مقاله

تا سال ۱۹۹۸، اقداماتی نظیر تضعیف کنترل دولتی بر بازار غلات، افزایش سریع قیمت سوخت و پیشبرد سیاست تجارت آزاد، به سقوط ۴۵ درصدی تولید غلات اوکراین در مقایسه با سالهای ۱۹۸۶-۱۹۹۰ انجامید. همچنین سقوط در بخش تولیدات دامداری، مرغداری و لبنیات به مراتب فاجعه بار تر بود. نگاه کنید به:

<http://www.imf.org/external/pubs/ft/scr/2003/cr03174.pdf>

نرخ سقوط فزاینده در شاخص های تولید ناخالص ملی که ناشی از اجرای اصلاحات صندوق بین المللی پول بود در بین سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ به بیش از ۶۰ درصد رسید.

بانک جهانی: فربکاری در کاهش فقر

اخیرا بانک جهانی تایید کرده که اوکراین در زمره کشورهای فقیر می باشد.

منبع: (World Bank, [Ukraine Overview](#), Washington DC, updated February 17, 2014):

در گزارش فوق آمده است " شواهد حاکی از آنند که اوکراین با یک بحران بهداشت و سلامتی روبروست و این کشور باید اقدامات عاجل و جامعی را در سیستم بهداشت خود برای تغییر روند فعلی در جهت بهبود وضع سلامت شهروندان اتخاذ کند. نرخ مرگ و میر سالانه در میان هر هزار نفر افراد بالغ در اوکراین بیشتر از کشورهای همسایه نظیر "مولداوا" و "بلا روس" و یکی از بالاترین نرخ ها نه تنها در اروپا بلکه در جهان می باشد."

اما آنچه که در این گزارش عنوان نمی گردد، عبارت از این است که موسسات وابسته به "برتون وودز" - از طریق انجام یک پروسه مهندسی اقتصادی- نقش کلیدی ای در سقوط اقتصادی اوکراین بعد از در هم پاشی شوروی ایفا کردند. بر پیکر فرو پاشیده وحشتناک برنامه های رفاه اجتماعی اوکراین، اثر انگشت برنامه های ریاضت اقتصادی مشترک صندوق بین المللی پول-بانک جهانی حک شده که این برنامه ها شامل عدم تخصیص آگاهانه بودجه به برنامه های بهداشت و مراقبت زمان شوروی سابق و الغای آنها می گردد.

در ارتباط با کشاورزی، گزارش بانک جهانی از "ظرفیتهای فوق العاده کشاورزی" اوکراین صحبت می کند؛ آنهم درست در شرایطی که فراموش می کند اعتراف کند که **بخشهای کشاورزی مولد ثروت این کشور در نتیجه اجرای بسته اقتصادی مشترک "آمریکا- صندوق بین المللی پول- بانک جهانی" نابود شدند.** مطابق گزارشات بانک جهانی: "ظرفیتهای نامبرده بدلیل سقوط درآمدهای مزارع و همچنین مدرنیزه نشدن بخش کشاورزی، مورد بهره برداری کامل قرار نگرفته اند."

"سقوط درآمدهای مزارع کشاورزی"، نه "دلیل" بلکه "نتیجه" اجرای برنامه تنظیم ساختار بخش کشاورزی توسط برنامه مشترک بانک جهانی- صندوق بین المللی پول می باشند. در سال ۱۹۹۴، بدنبال برنامه اکتبر سال ۱۹۹۴ صندوق بین المللی پول که توسط رییس بانک مرکزی اوکراین "ویکتور یاشچنکو" مهندسی شده بود، درآمدهای مزارع کشاورزی در مقایسه با سال ۱۹۹۱ تا ۸۰ درصد سقوط کرده بودند. بلافاصله در پی برنامه اصلاحی سال ۱۹۹۴ توسط صندوق بین المللی پول، بانک جهانی در سال ۱۹۹۵ پروژه ایجاد یک بخش خصوصی به نام "پروژه بذر" را عملی کرد که بر پایه "آزاد سازی نرخ، بازاریابی و تجارت بذر" بنا شده بود. در نتیجه انجام این پروژه، مخارج مزارع کشاورزی بشدت رشد کرد و به یک رشته ورشکستگی در بخش کشاورزی منجر شد.

منبع:

[Projects : Agricultural Seed Development Project | The World Bank](#)

Washington DC, 1995.

بسته نجات بخش اقتصادی ۲۰۱۴ صندوق بین المللی پول، زیر عنوان "شوک اقتصادی" گرچه شرایط حاکم بر اوکراین امروز، به طور واضحی با شرایط حاکم بر این کشور در سال ۱۹۹۰ تفاوت دارد، ولی باید درک کرد که **تحمیل یک رشته اصلاحات اقتصادی در اقتصاد کلان این کشور (که مطابق سیاست بی چون و چرا و مشروط صندوق بین المللی پول صورت می گیرد) در**

خدمت فقیر سازی فزاینده در زندگی توده هایی قرار خواهد گرفت که از قبل هم فقیرتر شده اند.

به عبارت دیگر، برنامه " شوک اقتصادی " ۲۰۱۴ صندوق بین المللی پول به معنی وارد کردن "ضربه نهایی" ای در تداوم یک رشته دخالت‌های این نهاد است که در طول بیش از دو دهه گذشته در اقتصاد اوکراین عملی شده اند. دخالت‌هایی که اقتصاد ملی اوکراین را بی ثبات و مردم این کشور را در فقر فرو برده است. برغم تحلیل برخی کارشناسان، نمونه پیشاروی ما در اوکراین، شبیه برنامه های ریاضت اقتصادی یونان نیست. شلاق اصلاحات کنونی بر پیکر اوکراین، بطرز بسیار وحشتناکتری، نابود کننده خواهد بود.

اطلاعات مقدماتی مبین آنند که بسته صندوق بین المللی پول شامل یک کمک بلاعوض ۲ میلیارد دلاری و بدنال آن یک وام ۱۱ میلیارد دلاری به اوکراین می باشد. "بانک سرمایه گذاری اروپا" (EIB) نیز دو میلیارد دلار دیگر را تامین می کند و مجموع کل اعتبارات این بسته را به ۱۵ میلیارد دلار می رساند.

منبع:

([Voice of Russia, March 21, 2014](#))

برنامه های طاقت فرسای ریاضت اقتصادی

دولت "کیف" اعلام کرده که صندوق بین المللی پول درخواست **یک کاهش ۲۰ درصدی در بودجه مرکزی** این کشور را کرده و انجام این درخواست، مستلزم کاهش شدید در برنامه های رفاه اجتماعی و کاهش دستمزد و حقوق کارمندان دولت و بالاخره خصوصی سازی و فروش دارایی های دولتی است. صندوق بین المللی پول همچنین خواهان اعلام "جدول زمانی" برای قطع سوبسیدهای انرژی و حذف کنترل دولتی بر بازار نرخ برابری ارزهای خارجی شده است. با توجه به حجم قرضهای غیر قابل مدیریت، صندوق بین المللی پول همچنین امر حراج و خصوصی سازی دارایی های عمده دولتی و تصاحب بخش بانکی را نیز به دولت تحمیل خواهد نمود.

در همین رابطه دولت کنونی زیر فشار صندوق بین المللی پول و بانک جهانی اعلام کرده که از میزان حقوق بازنشستگی دوره سابق، ۵۰ درصد کاسته خواهد شد. در بیانیه صادر شده در تاریخ ۲۱ فوریه ۲۰۱۴، بانک جهانی، اصول راهنما برای پیشبرد اصلاحات در حق بازنشستگی سابق "در کشورهای در حال ظهور اروپا و آسیای مرکزی" به شمول اوکراین را تنظیم کرده است. مطابق اطلاعیه بانک جهانی، **در یک چرخش منطقی، نهایتاً شعار "حمایت از سالمندان" با کاستن شدید از مزایای بازنشستگی آنان عملی شده است.**

منبع: [\(World Bank, Significant Pension Reforms Urged in Emerging Europe and Central Asia, Washington Dc, February 21, 2014\)](#)

با توجه به عدم وجود یک دولت واقعی و قدرتمند در کیف، زمامداران امور در وزارت دارایی و بانک مرکزی اوکراین در کیف از سیاستهای دیکته شده وال استریت تبعیت خواهند کرد: تاثیرات اجتماعی و اقتصادی ایجاد تعدیل ساختاری در توافقتنامه قرض های اوکراین توسط صندوق بین المللی پول، بسیار دهشت انگیز خواهد بود.

حذف سوبسیدها

با استناد به " سوبسیدهایی که مانع بُروز قیمتهای واقعی انرژی در بازار" می باشند، رها سازی قیمتها همواره یکی از مطالبات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را تشکیل داده است. در دوره

زامانداری دولت "پانکوویچ" قیمت های انرژی در حد نسبتا پایین نگاه داشته شدند. این وضعیت ناشی از توافق مشترک با روسیه بود که در مقابل فروش گاز ارزان قیمت به اوکراین، اجازه تمدید اجاره پایگاه دریایی در "سباستوپل" را بدست می آورد. این توافقنامه اکنون بی ارزش و باطل شده است. باتوجه به این که دولت کریمه اعلام کرده که کنترل مالکیت تمام شرکتهای دولتی اوکراینی در کریمه و از جمله کنترل میادین گاز طبیعی واقع در دریای سیاه را نیز در دست می گیرد، این قرار داد بیش از پیش فاقد ارزش خواهد بود.

دولت موقت در کیف، بطور محرمانه اعلام کرده که " در نتیجه بخشی از اصلاحات اقتصادی به منظور آزاد سازی اعتبارات دریافتی از صندوق بین المللی پول" قیمت خرده فروشی گاز ۴۰ درصد افزایش خواهد یافت. این اعلامیه اما، در توضیح مکانیزم واقعی و نتایج کامل رها سازی قیمت سوخت که می تواند در شرایط فعلی به افزایش صد در صدی قیمت گاز منجر شود ناکام است.

خالی از فایده نخواهد بود که در همین رابطه یاد آوری گردد که در آگوست سال ۱۹۹۱ هنگامی که دولت پرو اقدامات لازم برای "شوک درمانی" در افزایش یکباره قیمت حاملهای انرژی در این کشور را انجام داد، قیمت بنزین یک شبه در لیما تا ۲۹۷۸ درصد بالا رفت (افزایش سی برابری). در ۱۹۹۴ در نتیجه توافق بین صندوق بین المللی پول و دولت "لئونید کاجما" قیمت برق، یک شبه ۹۰۰ درصد بالا رفت.

"انعطاف بالا در رها سازی نرخ برابری ارز" (تک نرخی کردن ارز بر اساس قوانین بازار آزاد) یکی از اجزای کلیدی برنامه های دخالت جویانه صندوق بین المللی پول در اوکراین، رها سازی نرخ برابری ارز، از کنترل دولتی در بازارهای مالی می باشد. علاوه بر کاهش و قطع هزینه های دولتی، برنامه صندوق بین المللی پول خواهان "انعطاف (با درجه بالا) در رها سازی نرخ برابری ارز" می باشد که معنی عملی آن خودداری دولت از اعمال هر گونه کنترل بر نرخ برابری ارزهای خارجی در بازار اوکراین می باشد.

منابع:

[Ukraine: Staff Report for the 2012 Article IV Consultation,](http://www.imf.org/external/pubs/ft/scr/2012/cr12315.pdf)
<http://www.imf.org/external/pubs/ft/scr/2012/cr12315.pdf>

از زمان آغاز تظاهرات جنبش "میدان" در دسامبر ۲۰۱۲، کنترل بر نرخ برابری ارز دوباره با هدف حمایت از "گريونا" (واحد پول اوکراین) و ممانعت از جریان فرار انبوه سرمایه ها از کشور آغاز شد.

بسته اقتصادی نجات بخش صندوق بین المللی پول تمام ذخیره ارزهای خارجی موجود در بانک مرکزی اوکراین (NBU) را غارت خواهد کرد. سیاست انعطاف در رها سازی نرخ برابری ارز با رهنمودهای صندوق بین المللی پول، توسط رییس جدید بانک مرکزی اوکراین، "استیان کاپیک" مورد تایید و پشتیبانی قرار گرفته است. بدون وجود تقریبا هرگونه ذخایر ارز خارجی، اعمال سیاست رها سازی نرخ برابری ارز یک خودکشی اقتصادی ست؛ چرا که این اقدام راه را برای معاملات پر مخاطره فروش کوتاه مدت (نظیر همان مدلی که در جریان فروپاشی مالی سال ۱۹۹۷ آسیا اتفاق افتاد) بر علیه "گريونا" (واحد پول اوکراین) باز می کند.

تاجرانی که وابسته به نهادهای مالی بزرگ نظیر موسسات وال استریت و بانکهای اروپایی و همچنین صندوق های سرمایه گذاری، یا "هدج فاندها" می باشند، از هم اکنون خود را آماده بهره برداری از چنین موقعیتی کرده اند. تسلط بر بازار مبادلات ارزی، از طریق انجام معاملات فرعی تضمین می گردد.

موسسات مالی کلان، با آگاهی از تمامی اطلاعات درونی در مورد سیاستهای بانک مرکزی، قادر به تنظیم و جهت دهی بازارهای مبادلات ارزی به نفع خود می باشند.

در شرایط وجود یک سیستم نرخ برابری ارز منعطف، بانک مرکزی هیچ گونه محدودیتی بر مبادلات ارزی اعمال نمی کند. ولی بانک مرکزی می تواند - بر طبق مشاوره های دریافتی از صندوق بین المللی پول- در مواجهه با معاملات پر مخاطره در بازار، اقدامات متقابل با هدف حفظ نرخ برابری "گريونا"ی اوکراین با ارزهای خارجی انجام دهد. ولی بدون استفاده از قدرت کنترل نرخ برابری ارزها، چنین اقداماتی مستلزم آن است که بانک مرکزی اوکراین (در غیبت وجود ذخایر ارزی) یک ارز بیمار را با توسل به استقراض بیشتر سر پا نگهدارد؛ امری که معنی آن وخیم تر شدن بحران بدهی هاست. جدول زیر نشانگر سقوط افزون بر ۲۰ درصدی ارزش "گريونا" در مقابل دلار آمریکا در یک فاصله ۶ ماهه می باشد. منبع: themoneyconverter.com

در همین رابطه لازم است یادآوری گردد که در نوامبر سال ۱۹۹۸ برزیل یک بسته اعتباری احتیاطی به مبلغ ۴۰ میلیارد دلار از صندوق بین المللی پول دریافت کرده بود. اما یکی از شرایط اعطای این وام، رها سازی کامل نرخ مبادلات ارزی در بازار ارزهای خارجی این کشور بود. هدف از اعطای این بسته، کمک به بانک مرکزی برزیل برای حفظ نرخ همسانی واحد پول این کشور "رنال" عنوان شده بود. اما در عمل این بسته، برزیل را با سر به سوی ورشکستگی مالی در فوریه ۱۹۹۹ رهنمون ساخت. دولت برزیل شروط این بسته را پذیرفته بود. در شرایط فرار سرمایه ها تا حد ۴۰۰ میلیون دلار در روز، اعتباری که پرداخت آن با قبول شروط وام صندوق بین المللی پول تضمین شده بود - و هدف آن (ظاهرا) حفظ و نگهداری ذخایر ارزی بانک مرکزی بود- در ظرف تنها چند ماه به چپاول رفت. قرارداد وام صندوق بین المللی به دولت برزیل، نهادهای کلان تجاری را قادر ساخت که وقت بخرند. بخش اعظم قرض صندوق بین المللی پول، در شکل سود حاصل از معاملات پرمخاطره و ریسکی بالا کشیده شد و به جیب موسسات کلان تجاری رفت.

در ارتباط با اوکراین، اعمال "انعطاف بالا در بازار نرخ برابری ارز" منجر به ایجاد فاجعه خواهد شد. برخلاف مورد برزیل، بانک مرکزی اوکراین فاقد ذخایر ارزی خارجی ست؛ امری که مانع خواهد شد تا دولت توان دفاع از واحد پول خود را داشته باشد. با توجه به چنین موقعیتی، بانک مرکزی اوکراین از کدام منبع ذخایر ارزی خارجی خود را تامین خواهد نمود؟ بخش بزرگ اعتبارات در نظر گرفته شده در "بسته نجات بخش" پیشنهادی مشترک صندوق بین المللی و اتحادیه اروپا، از قبل برای استفاده در دفاع از "گريونا" در مقابل "فروش های تضمینی کوتاه مدت" ناشی از حملات به بازارهای ارز از سوی سرمایه های دخیل در معاملات ریسکی تخصیص داده شده است. بنابراین محتمل ترین سناریو این خواهد بود که "گريونا" دچار یک سقوط بهای چشمگیر خواهد شد؛ امری که معنای آن ترقی وحشتناک قیمت خدمات و فراورده های اصلی نظیر مواد غذایی، سوخت و حمل و نقل می باشد.

حتی اگر بانک مرکزی قادر بود که از ذخایر قرض گرفته شده برای حفظ قدرت "گريونا" استفاده کند، این قرضها در چرخه بازار معاملات، سریعا دوباره در یک بشقاب نقره ای به جیب دلان ارز، سرازیر می شد. به هر حال سناریوی حفظ قدرت برابری ارز ملی با استفاده از ذخایر ارزی قرض گرفته شده (نظیر مورد ۱۹۹۸-۱۹۹۹ برزیل) در کوتاه مدت، با پر کردن برخی سوراخها، به امر جلوگیری از فروپاشی فوری سطح استانداردهای موجود خدمت خواهد کرد.

چنین روندی برای دلان معاملات ریسکی که در حال حاضر مصروف غارت ذخایر ارزی (قرض گرفته شده) بانک مرکزی اوکراین می باشند کمک می کند تا "وقت بیشتری" بخرند؛ همچنین دولت موقت را یاری می دهد تا بدترین عواقب ناشی از اجرای سیاست "انعطاف بالا در بازار مبادلات ارزی" تحمیل شده توسط صندوق بین المللی پول را کمی به تعویق بیاورد.

زمانی که ذخایر ارزهای قدرتمند بانک مرکزی به پایان برسد- بطور مثال بلافاصله پس از انجام انتخابات ریاست جمهوری ۲۵ می- ارزش "گريونا" در بازارهای مبادلات ارز بشدت سقوط خواهد کرد؛ امری که منتج به نزول نابود کننده سطح زندگی مردم خواهد شد. همچنین با مستحیل شدن روابط اقتصادی دوجانبه با روسیه که در جریان آن، روسیه گاز طبیعی اوکراین را تامین می کرد، قیمت انرژی نیز بطور اجتناب ناپذیری بالا خواهد رفت.

چگونه نئو لیبرالیسم با ایدئولوژی نئو نازیسم برای سرکوب تظاهرات مردمی همدست می شوند

با وجود "اسووبودا" و روسای منصوب شده دست راستی بر نیروهای امنیتی و ارتش، به احتمال بسیار زیاد یک جنبش توده ای بر علیه اصلاحات مرگبار اقتصادی صندوق بین المللی پول در اقتصاد کلان بیرحمانه توسط جریان دست راستی "پیراهن قهوه ای ها" و شیه نظامیان "گارد ملی" تحت هدایت "دمیتری یاروش" به نیابت از وال استریت و اجماع نظر محافل واشنگتن سرکوب خواهد شد. در جریان رویدادهای جاری نیروهای دست راستی تحت رهبری "دمیتری یاروش" کاندیداتوری وی در انتخابات ریاست جمهوری پیشارو اعلام کرده اند. (آنهم در شرایطی که وی دارای تنها ۲ درصد حمایت مردمی ست).

از سوی دیگر روسیه "یاروش" را در لیست بین المللی افراد تحت تعقیب گذارده و وی را متهم به تحریک به اقدامات تروریستی کرده است. این برخورد دولت روسیه پس از آن اتفاق افتاد که "یاروش" از رهبر تروریستهای چینی یعنی "داکو عمراف" درخواست کرد که به خاطر بحران اوکراین به منافع روسیه حمله کند. این رهبر اولترا - ناسیونالیست همچنین روسیه را تهدید به انفجار خط لوله گاز این کشور در خاک اوکراین کرده است. (منبع: RT, March 22, 2014)

در همین حال، دادستان کل اوکراین که متعلق به گروه های نئونازیست می باشد، مقررات جدیدی را به اجرا گذارده که هر گونه راهپیمایی و تظاهرات بر علیه دولت موقت را ممنوع می سازد.

پایان

زیر نویس ها:

(۱) "برتون وودز اینستیتیوشنز" نامی ست که به نهاد متشکل از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول اطلاق می گردد. این نهادها در جولای سال ۱۹۴۴ در محلی به نام "برتون وودز" واقع در "همشایر" آمریکا نشستی را با شرکت نمایندگان ۴۳ کشور برگزار کردند. اهداف این موسسه جدید "کمک به بازسازی در اقتصاد تخریب شده کشورها پس از جنگ جهانی" و " ترویج همکاریهای اقتصادی" عنوان شد.

Policy based lending (۲)